

نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره مبارکه «المسد» از منظر رولان بارت

علی پیرانی شمال^۱
نیلوفر زریوند^۲

چکیده

نشانه‌شناسی لایه‌ای به مثابه دیدگاهی نظری که زمینه‌ساز نوعی نشانه‌شناسی کاربردی است، با تکیه بر مبانی نظری خود همچون بررسی روابط هم‌نشینی، رمزگان‌ها و نیز بینامتنی، زمینه را برای تحلیل گسترده متونی چون قرآن که در بستر رابطه‌ی تعاملی و چند سویه میان نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی هستند، فراهم می‌کند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر علم نشانه‌شناسی لایه‌ای، به تحلیل رمزگان‌های سوره مسد پرداخته تا ضمن مشخص کردن معانی ضمنی آن‌ها، کثرت دلالت لایه‌های معنایی را از روابط هم‌نشینی و بینامتنی با آن‌ها آشکار سازد. رهیافت مقاله چنین بوده که رمزگان‌های کنشی، عملکردهای این شخصیت‌ها را که به ذلت و آتش انجامیده است، نشان می‌دهند؛ عملکردهایی که به واسطه‌ی تنها رمزگان هرمنوتیکی-معمایی سوره که به زن ابولهب اشاره دارد، شکل گرفته‌اند. بقیه‌ی رمزگان‌ها همچون رمزگان‌های فرهنگی بر سند تاریخی این مسأله، و رمزگان‌های معنایی بر صفت جهنمی و ذلت آن دو و رمزگان نمادین بر نقش و تأثیر متقابل روابط همسری دلالت می‌کنند که با نقش تکمیلی و شفاف ساز خود، بر ترجیح ندادن رابطه بر ضابطه، ناکارآمدی و خسران ابدی مبارزان علیه راه حقیقت و بی‌فایده بودن ثروت و قدرت در مقابل قهر خداوندی تأکید دارند.

کلیدواژه‌ها: نشانه‌شناسی لایه‌ای، رمزگان، روابط هم‌نشینی، بینامتنی.

مقدمه

در بررسی متون ادبی، همواره با لایه‌های متعدد معنایی مواجه هستیم که از روابط درونی، بیرونی و بینامتنی نشانه‌های آن حاصل می‌شوند. در حقیقت، هر متنی، یکسری معانی را با ارتباط بین نشانه‌های ادبی (واژگان) خود آشکار می‌سازد که در زبان‌شناسی از آن با عنوان روابط هم‌نشینی و جانشینی یاد می‌شود. سطح دیگری از معانی متن توسط رمزگان‌هایی حاصل می‌شود که در بافت متن، به علوم دیگر ارجاع می‌دهند (برون‌متنی)؛ همچون علوم سیاسی، اجتماعی، تاریخی، عرفانی، علمی و ... و یا با طرح معما، بیان کنش‌ها، و معانی تقابلی به مضامین اصلی متن، جهت می‌دهند. سطح نهایی معانی نیز با بررسی متن آثار دیگر که در زمان گذشته، حال یا بعد از متن موردنظر وجود داشته و به‌نوعی در متن به آن‌ها اشاره شده است (بینامتنی)، آشکارسازی می‌شوند.

از جمله متونی که قابلیت تعدد لایه‌های معنایی را در خود دارد، می‌توان به متون مذهبی، تفسیری و صدالبته قرآن اشاره کرد که در خود گنجینه‌ای از معارف گوناگون فلسفی، کلامی، علمی، سیاسی، روایی، عقلی و ... گنجانده و هر یک نمود عینی و متنی یک نظام رمزگانی‌اند. بر این اساس، نشانه‌شناسی لایه‌ای آیات قرآن کریم، کثرت دلالت نشانه‌ها را در موقعیت‌های متفاوت پاسخ داده و ابعاد معنایی گوناگون آن را به‌واسطه روابط درون‌متنی، برون‌متنی و بینامتنی روشن می‌سازد. این ابعاد برای مفسر از راه توجه به رمزگان‌های مختلف موجود در هریک از نظام‌های یادشده و البته با توجه به ساختار متن، حاصل می‌شود (محققیان، ۱۳۹۳: ۳۰).

در این جستار سعی بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با مدد جستن از الگوی نشانه‌شناسی لایه‌ای نشانه شناس برجسته‌ای چون رولان بارت^۱، به بررسی سوره مسد از قرآن کریم پرداخته شود؛ سوره‌ای که به وقایعی از زندگی پیامبر (ص) اشاره داشته و برخلاف روش معمول قرآن، که از دشمنان اسلام نام نمی‌برد، در این سوره از ابولهب به‌طور صریح نام برده شده است؛ از این رو چنین فرض می‌شود که باوجود کوتاهی سوره، رمزگان‌های متفاوتی را در خود جای داده باشد؛ رمزگان‌هایی که با تأثیر پذیری از روابط هم‌نشینی و بینامتنی، لایه‌های معنایی متعددی را علاوه بر معنای ظاهری آیات، ایجاد کرده‌اند. بر این اساس پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر می‌باشد:

- سوره مسد از چه نوع رمزگان‌های برجسته‌ای تشکیل یافته است؟

^۱. Roland Barthes

- تأثیر روابط هم‌نشینی و بینامتنی بر رمزگان‌ها، چه لایه‌های معنایی را ایجاد کرده است؟ بنابراین هدف از این جستار بررسی لایه‌ها و سطوح دلالت‌های رمزگانی سوره مسد با استفاده از الگوی رمزگانی بارت است.

با توجه به جستجوهای صورت گرفته درباره پیشینه این پژوهش، تعدادی مقالات درباره نشانه‌شناسی لایه‌ای در قرآن انجام شده است؛ همانند مقاله محققان با عنوان «نشانه‌شناسی آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی» (۱۳۹۳) که پس از تعریف نشانه‌شناسی لایه‌ای از نظر نشانه‌شناسان برجسته، چنین نتیجه گرفته است که ابعاد معنایی نص قرآن کریم در روابط درون‌متنی و بینامتنی و به واسطه تعدد لایه‌های دلالتی آن در دو محور عمودی و افقی حاصل می‌شود؛ در محور عمودی لایه‌های مختلف معنایی به واسطه ارتباط با نظام نشانگی درون آن و در محور افقی از طریق نظام رمزگان‌های فلسفی، کلامی، علمی، سیاسی و ... شناسایی شده‌اند. این پژوهش به سوره‌ای واحد نپرداخته و به ذکر نمونه‌های معدودی از قرآن بسنده کرده و تحلیلاتش بر اساس نظریه نشانه‌شناس واحدی نمی‌باشد. در پژوهشی دیگر از محمدی حسن‌آبادی (۱۳۹۳) با عنوان «رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و کاربست آن در قرآن کریم» به تحلیل نشانه‌شناختی و کشف معانی واژگان مربوط به رنگ در قرآن از طریق بررسی زبان مجاز و روابط هم‌نشینی و جانشینی پرداخته‌شده تا معانی مستقیم و غیرمستقیم (کاربردی) آن‌ها آشکار گردد؛ که تا حد زیادی با نشانه‌شناسی لایه‌ای تطابق دارد.

و درنهایت، شاهد مقاله‌ای از عباس زاده (۱۳۹۷) با نام «بررسی نشانه‌شناختی ارزش و روابط سلبی عناصر طبیعت در قرآن کریم بر پایه نشانه‌شناسی لایه‌ای» هستیم که به بررسی ابعاد معنایی و نشانه‌شناختی عناصر طبیعت همچون شب و روز و روابط سلبی و تقابلی میان آن‌ها در قرآن پرداخته‌شده و چنین رهیافتی داشته است که نص قرآن از لایه‌های ساختاری سلسله مراتبی تشکیل شده که خود لایه‌های مفهومی بزرگ‌تری را در برمی‌گیرد. در این پژوهش، نشانه‌شناسی لایه‌ای قرآن و نه سوره‌ای واحد، بر اساس نظریه تعداد زیادی از نشانه‌شناسان بررسی شده است. بر اساس چنین پیشینه‌ای، چنان به نظر می‌رسد که اکثر نشانه‌شناسی‌های لایه‌ای قرآن، در برخی واژگان یا عناصر در سطح کل قرآن و نه در سوره‌ای مشخص صورت گرفته و رمزگان‌های هیچ سوره‌ای از این منظر به‌طور خاص مورد کنکاش قرار نگرفته است؛ ازاین‌رو، موضوع جستار پیش رو؛ یعنی نشانه‌شناسی لایه‌ای رمزگان‌های سوره مسد، می‌تواند بابتی تازه را به‌سوی پژوهشگران و مترجمان قرآنی بگشاید.

نشانه‌شناسی لایه‌ای

نشانه‌شناسی دانشی است که در قرن بیستم پا به عرصه مباحث جدید زبان‌شناسی گذاشت و به بررسی نشانه‌های ارتباطی پرداخت، شکل‌گیری این علم را نخستین بار فردینان دوسوسور^۱ سوئیسی در دوره زبان‌شناسی عمومی پیش‌بینی کرده بود. تقریباً هم‌زمان با سوسور، منطق‌دانی به نام چارلز ساندرز پیرس^۲ در امریکا نیز درباره طرح نشانه‌شناسی یا آن‌طور که او می‌نامید «semiotics» کار می‌کرد. هیچ‌یک از آن دو از کار دیگری خبر نداشت، همین نکته باعث شد که از همان ابتدا دو گرایش متفاوت در نشانه‌شناسی پیدا شود: یکی نشانه‌شناسی فلسفی پیرس و دیگری نشانه‌شناسی سوسور. راه این دو بنیان‌گذار را دیگرانی در طول قرن بیستم ادامه دادند؛ همچون یلمسلو^۳، بارت، کریستوا^۴ و بودریار^۵ در سنت نشانه‌شناسی سوسوری، و موریس^۶، ریچاردز^۷ و ... در نشانه‌شناسی پیرسی. نشانه‌شناسانی چون اکو^۸ نیز از دستاوردهای هر دو شاخه در تحلیل‌های خود بهره جستند و تقریباً پیش‌بینی سوسور به واقعیت تبدیل شد و حوزه‌ای مطالعاتی به نام نشانه‌شناسی تثبیت گردید (سجودی، ۱۳۸۷: ۸).

سوسور نشانه را دارای دو مفهوم به هم وابسته دلالت و ارزش می‌داند. او دلالت را رابطه‌ای بین دال (تصویری صوتی) و مدلول (تصور مفهومی) دانسته و آن را ایجابی برمی‌شمرد. ارزش نیز برای سوسور رابطه بین یک نشانه و نشانه‌های دیگر بوده و در نتیجه، یک رابطه سلبی به حساب می‌آید. در نهایت، به عقیده او، نشانه‌ها در کنار هم و در مقایسه، تمایزاتشان شناخته می‌شوند (سجودی، ۱۳۸۸: ۵۱). و اما از دیدگاه پیرس، نشانه دارای تعریفی سه‌گانه است؛ نخست: نشانه (بازنمون) به معنای صورتی است که نشانه به خود گرفته و به‌جای موضوع (ابژه) می‌نشیند (و ضرورتاً مادی یا زبانی نیست)، دوم: موضوع که شامل امور قابل‌تصور است از جمله شیء‌ای، حادثه‌ای، رابطه‌ای، کیفیتی، قانونی و... سوم: تفسیر یا نشانه تفسیرکننده که بر خود شخص دلالت نمی‌کند بلکه بر تصور ذهنی یا

1. Ferdinand de Saussure
2. Charles Sanders Peirce
3. Hjelmslev
4. Kristeva
5. Baudrillard
6. Morris
7. Richards
8. Eco

امری که میان نشانه و موضوع، رابطه‌ای ایجاد می‌کند دلالت دارد (پیرس، ۱۳۸۱: ۵۲). همچنین به عقیده وی نشانه‌شناسی هر مطالعه دیگری را در برمی‌گیرد. او می‌گوید: «هیچ‌گاه نتوانسته‌ام چیزی را مطالعه کنم - هرچه می‌خواهد باشد: ریاضیات، اخلاق، متافیزیک، جاذبه، ترمودینامیک و... - و به آن، چنان چیزی غیر از یک مطالعه نشانه شناختی نگاه کنم.» (گیرو، ۱۳۸۰: ۱۴۵)

درواقع نشانه‌شناسی یک رویکرد میان‌رشته‌ای یا به قول برخی «یک زمینه علمی فرارشته‌ای تلقی می‌شود که از گرایش‌ها و رویکردهای گوناگون و تعاریف فلسفی مختلف یک موضوع مشخص تأثیر پذیرفته است» (دینه سن، ۱۳۸۰: ۸) نشانه‌شناسی ادبیات را می‌توان رویکرد تحلیل دلالت به شمار آورد. شکل‌های بنیادین دلالت؛ دلالت صریح و ضمنی هستند. «در دلالت مستقیم تمایل به ارائه معنای معین، ملفوظ، آشکار یا مطابق عقل سلیم برای نشانه وجود دارد. در مورد نشانه‌های زبانی، معنای مستقیم همان است که معمولاً در لغتنامه‌ها می‌توان یافت... اصطلاح دلالت ضمنی برای ارجاع به معناهای اجتماعی-فرهنگی و شخصی نشانه به کار می‌رود و به طبقه، سن، جنسیت و نژاد تفسیرگر بستگی دارد» (چندلر، ۱۳۸۷: ۲۱۰). دلالت‌های صریح در علم، و دلالت‌های ضمنی در هنر کاربرد دارد و در نشانه‌شناسی ادبیات نیز، دلالت‌های صریح نیست که اهمیت دارد؛ بلکه دلالت‌های ضمنی، تأویلی و معانی ثانویه متون حائز اهمیت است: «از آنجاکه ادبیات به خود ارجاع می‌دهد و از طریق نقیضه-پردازی و به شکلی کنایی، روندهای دلالت‌گری خود را مورد مطالعه قرار می‌دهد، به پیچیده‌ترین نوع دلالت تبدیل می‌شود» (کالر، ۱۳۸۸: ۸۳).

اکثریت نشانه‌شناسان، نشانه‌شناسی را دارای سه وجه عمده؛ یعنی معنی‌شناسی، نحو و کاربردشناسی می‌دانند (مدرسی، ۱۳۸۷: ۳۶۳). نشانه‌شناسی لایه‌ای نیز به مثابه دیدگاهی نظری که زمینه‌ساز نوعی نشانه‌شناسی کاربردی است، زمینه را برای تحلیل گسترده متون از جمله متون مقدس در بستر رابطه تعاملی و چند سویه میان نظام‌های نشانه‌ای و لایه‌های متنی که شبکه‌ای پیچیده از روابط دلالی را به وجود می‌آورد، فراهم می‌کند (محققیان، ۱۳۹۳: ۲۹). در این رویکرد، نه تنها به رمزگشایی درون مایه آثار ادبی و لایه‌های مختلف متنی پرداخته می‌شود؛ بلکه سعی بر کشف قراردادهایی است که به تولید معنا می‌پردازند، در این راستا رمزگان‌های متنی در جهت کشف ارتباط ادبی بسیار شایان توجه است (کالر، ۱۳۸۸: ۸۶). درباره این شاخه از دانش نشانه‌شناسی، آثار بسیاری از چندلر^۱، بارت،

دینه سن^۱، گیرو^۲ و ... منتشر شده که در این جستار با توجه به جامعیت نظریه بارت درباره رمزگان‌ها و نیز لایه‌های متنی، نظریه او را در نشانه‌شناسی سوره مسد، معیار قرار داده‌ایم.

رولان بارت از جمله نشانه‌شناسانی است که معانی مختلف نشانه‌ها و روابطی که میان آن‌ها وجود دارد، را بررسی می‌کند. با رویکردی که بارت از نشانه در جایگاه دلالت در رمزگان مختلف دارد (این رویکرد خود حاصل پدیدار شناختی است)، اثر بسیار در معرض ذهنی و درونی شدن (سویژکتیو) قرار می‌گیرد و رویکرد ساختارگرایی کنار گذاشته می‌شود؛ درحالی‌که این رویکرد تنها نظامی از قوانین است و اثر در آن نه به عینی بازمی‌گردد و نه توصیف ذهنی فرد است (ایگلتون، ۱۳۸۰: ۱۵۵)؛ از این رو، مفهوم ذهنی شدن یا سویژکتیو به‌گونه‌ای که برای ذهن فرد ارزش قائل شود، جایگاه ویژه‌ای در ساختارگرایی ندارد.

درواقع، نشانه‌شناسی لایه‌ای کارکرد ارتباطی و دلالتی نشانه‌ها را از منظر نظام‌های چندبعدی دخیل در دلالت می‌بیند، نه به‌صورت تک‌بعدی و رابطه یک‌سویه میان زبان و سطح گفتار (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۹۴). در این رویکرد، متن از لایه‌های متعددی تشکیل یافته که شاید برخی لایه‌ها اصلی‌تر به نظر برسند؛ اما در دلالت‌های متن، همه لایه‌ها می‌توانند به یک اندازه تأثیرگذار باشند. معنا نیز حاصل برهم‌کنش میان لایه‌های متنی، دانش شناختی، رمزگان‌ها و ... است؛ از این رو هر نشانه‌ای در یک کنش ارتباطی، در بطن نظام پیچیده‌ای از عوامل متعامل معنا می‌یابد (همان: ۲۵۴).

شناسه‌های اصلی نشانه‌شناسی لایه‌ای برای تحلیل متن از منظر بارت به عناصر گوناگونی بازمی‌گردند که می‌توان به دسته‌های عمده زیر تقسیم‌بندی نمود:

۱. روابط هم‌نشینی

نشانه در کنار روابط مجاورت با عناصر دیگر متن جایگاه می‌یابد. به همین سبب روابط هم‌نشینی در نشانه‌شناسی لایه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردارند و اساس دریافت و تفسیر متون تلقی می‌شوند (سجودی، ۱۳۸۷: ۵۴). شایان‌ذکر است که نشانه اگر در کنش ارتباطی به کار رود، هرچند یک واژه تنها هم باشد و ارتباط برقرار کند، به متن تبدیل شده و در لایه متنی با بافت خود قرار می‌گیرد. همچنین از امور شایان توجه در بررسی روابط هم‌نشینی، توجه به عنصر بلاغت چه در سطح کلاسیک

و چه در سطح زبان‌شناسی معاصر همچون مباحث معنی‌شناسی شناختی و استعاره‌های مفهومی مطرح است؛ چراکه تمامی این صنایع برای بیان هرچه تمام‌تر معانی و مفاهیم ضمنی به کار گرفته می‌شوند و بدون موشکافی از آن‌ها درک مطلب متن با خلل مواجه خواهد شد.

۲. رمزگان

رمزگان‌ها، نظامی فراگیر و اجتماعی از قراردادهای هر حوزه نشانه‌ای است که می‌تواند با نقش محتوایی خویش در تفسیر متون، به کشف لایه‌های مختلف معنایی متن کمک نماید (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۰). رولان بارت برای رمزگان‌ها تقسیم‌بندی بی‌نقص و کاستی را ارائه می‌دهد؛ او معنای متن را حاصل یک نوع رمزگان ندانسته؛ بلکه حاصل کنش رمزگان‌های متفاوتی می‌داند. وی پنج نوع رمزگان را برای دریافت معنای متن ذکر کرده (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۳۷) و برای آن‌ها سلسله مراتبی را قائل نشده و از نظر ارزشی با یکدیگر برابر می‌داند (Cuddon، ۲۰۱۳: ۱۳۲). این رمزگان‌ها عبارت‌اند از: رمزگان هرمنوتیکی^۱، رمزگان پروآیرتیک^۲، رمزگان معنابنی^۳، رمزگان نمادین^۴ و رمزگان فرهنگی. از میان این پنج رمزگان، دو مورد اول (رمزگان هرمنوتیکی و پروآیرتیکی) به شیوه‌هایی مربوط می‌شوند که خود روایت از آن طریق آفریده می‌شود؛ اما سه رمزگان دیگر ما را از مجموعه حوادث و منطوق روایی داستان فراتر می‌برند (صفیئی و همکاران، ۱۳۹۰: ۷). بنابراین رمزگان به قوانینی اشاره دارد که عناصر یک نظام را به عناصر یک یا چند نظام دیگر پیوند می‌دهد و هردو طرف حاضر در مبادله پیام، به صورت واقعی یا فرضی، به شکل کامل، مختصر و یا مشترک، از این قوانین بهره می‌برند (سیبیاک، ۱۳۹۱، ۶۸).

۳. بینامتنیت

متن افزون بر رابطه درون‌متنی و برون‌متنی که به لایه‌لایه شدن دلالت ضمنی نشانه‌ها می‌انجامد، دربردارنده برخورد تعاملی گفتمانی با متون پیش و پس از خود است. از طرفی اندیشه‌های بینامتنی تا حدی با ساختارگرایی نیز خویشی دارد و به‌نوعی در پی ساختاری متحد بین متون است (ذوالفقاری،

1. Hermeneutic
2. Proiretic
3. Codes of Semes
4. Symbolic

۱۳۹۷: (۵)؛ از این رو، این عدم استقلال متون و وابستگی شان به یکدیگر، عاملی در جهت ایجاد لایه جدیدی در متن به نام بینامتنیت شده که به تولید معنا منجر می‌شود و بررسی آن در رویکرد نشانه‌شناسی لایه‌ای از عناصر ضروری به شمار می‌رود.

نشانه‌شناسی لایه‌ای سوره مسد

سوره مسد یکی از کوتاه‌ترین سوره‌های قرآن است که از پنج آیه تشکیل شده و با وجود تعداد اندک آیات، هر پنج نوع رمزگان طبقه‌بندی شده بارت را در خود دارا می‌باشد:

سوره الْمَسَدِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ (۱) مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ (۲) سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳) وَ
امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴) فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ (۵)

واژه (تَبَّتْ) که اولین کلمه این سوره می‌باشد، در لغت به معنای پیوسته در زیان بودن، هلاکت و ناکام ماندن آمده است و بر اساس اغلب کتاب‌های لغت، در صورتی که این فعل به همراه لام جر و ضمیر (غایب، مخاطب و یا متکلم) بیاید؛ همچون (تَبَّأْ له)، معنای دعایی و نفرین به خود می‌گیرد (ابن منظور، ج ۱، ۱۴۱۴: ۳۳۶ و قرشی بنابی، ج ۱، ۱۳۷۱: ۲۶۲)؛ از این رو، این واژه در آیه (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ) (۱/المسد) یعنی دستان ابولهب پیوسته در زیان و خسران بوده، که معنای خسران و ناکارآمد بودن با تکرار واژه (تَبَّ) در انتهای آیه، تأکید دوچندان شده است. علاوه بر معنای مستقیم و قاموسی این نشانه، واژه (تَبَّتْ) به حادثه‌ای تاریخی در زمان پیامبر (ص) اشاره دارد که آن را رمزگان فرهنگی نیز ساخته است. زمانی که پیامبر (ص) خاندانش را جمع و دعوت به اسلام نمود، عموی او؛ ابولهب خطاب به وی گفت: (تَبَّأْ لک)؛ یعنی هلاکت بر تو باد، امری که باعث نزول این سوره گردیده و گفتار ابولهب را به خودش برگرداند (بیضاوی، ج ۵، ۱۴۱۸: ۳۴۵) و طبری، ج ۱۹، ۱۴۱۲: ۲۱۴ و فیض کاشانی، ج ۵، ۱۴۱۵: ۳۸۹).

اشاره به حادثه‌ای تاریخی از واژه (تَبَّتْ) رمزگان فرهنگی ساخته است؛ رمزگان فرهنگی از رمزگان‌هایی است که خواننده را به استفاده از دانش خود از جهان واقعی فرامی‌خواند تا بتواند به معنای متن پی‌برد، از نظر بارت، این دانش طبیعی بوده و از تجربه نشأت می‌گیرد و ریشه در منابع

متنی دارد (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۳۸). از این رو، این رمزگان مجرای ارجاع متن به بیرون و به دانش عمومی همچون هنر، پزشکی، سیاست، ادبیات و... بوده (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۶) و می‌توان آن را رمزگان ارجاعی نیز نامید. اما تفاوت عمده‌ای که واژه (تَبَّتْ) در سوره مسد با عبارت (تَبَّأ لک) -که گفتار ابولهب بوده- دارد، این است که گفتار ابولهب همراه با لام و ضمیر مخاطب آمده؛ از این رو، دلالت بر نفرین دارد؛ اما در این آیه، واژه (تَبَّتْ) همراه با لام و ضمیر برای دلالت بر نفرین ذکر نشده؛ بلکه در عین حال که کلام ابولهب را به وی بازگردانده است؛ اما بدون حروف نفرینی آمده و ارزش کلام را در حد سخن ابولهب پایین نیاورده و به گونه فعل غائبی که در ادامه، تکرار نیز شده است، استمرار ناکارآمدی اعمال ابولهب و نیز خسران همیشگی وی را یادآور شده؛ مطلبی که بسیاری از مترجمان از آن با عنوان آیه نفرینی یاد کرده‌اند.

در همین آیه نخست سوره مسد، واژه (یدا) به گفته اغلب مفسرین از منظر روابط هم‌نشینی، به معنای دست ظاهری نبوده و مجاز می‌باشد و از آنجایی که اکثر کارها به دست انجام می‌گیرد، منظور خسران کار و تلاش ابولهب و نیز هلاکت دائمی او در جهنم می‌باشد (طبرسی، ج ۱۰، ۱۳۷۲: ۸۵۱ و محلی، ۱۴۱۶: ۶۰۶ و طباطبایی، ج ۲۰، ۱۳۹۰: ۳۸۴). بر همین اساس، در اینجا دست به‌عنوان وسیله عمل، تلاش، کسب قدرت و ثروت برای ابولهب ذکر شده؛ چنانکه در آیه بعد نیز بر بی‌فایده بودن مال و ثروت او تأکید شده است: (ما أُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ) (۲/المسد). زبان مجاز نیز، از جمله ابزار بیانی است که در علم نشانه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته و بخشی از سیستم حفظ فرهنگ یا زیر-فرهنگ به شمار می‌رود. این زبان رمزی است که با "چگونگی" نمایش اشیاء و نه با "چیستی" آن‌ها مرتبط است (محمدی حسن‌آبادی، ۱۳۹۳: ۷۹).

در حقیقت، واژه (یدا) که در فرهنگ لغت به معنای دو دست می‌باشد، به صورت مجازی برای اشاره به دو امری که با دست حاصل می‌شود؛ همچون ثروت و قدرت آمده است. عبارت (مَالُهُ) در آیه دوم، دلالت بر ثروت و عبارت (و ما کَسَبَ) به گفته اکثر مفسرین دلالت بر فرزندان -که مایه کسب قدرت هستند- دارد که هیچ‌کدام برایش سودی در جهت عملی کردن نیت شومش نداشتند (مقاتل بن سلیمان، ج ۴، ۱۴۲۳: ۹۱۴). از این رو، عبارت (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ) برای اشاره به ناتوانی وی در عملی ساختن اقدامات و نیت ناصوابش است؛ یعنی تلاش‌های وی (ثروت و قدرتش) به هدر رفته و دچار زیان و خسارت همیشگی شد، خسران جهنمی شدن (طبرسی، ج ۱۰، ۱۳۷۲: ۸۵۱).

از سوی دیگر، واژه (أبی لهب) در آیه نخست، رمزگان معنایی است؛ مقصود از رمزگان معنایی، رمزگان‌هایی است که به معانی ضمنی می‌پردازند، این رمزگان‌ها مربوط به دلالت‌های پنهانی است که خصوصیات شخصیت‌ها و کنش‌ها را می‌سازند (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷)؛ به عبارت دیگر، این رمزگان، دلالت‌های شخصیت، مکان یا یک شیء است؛ یعنی شیوه‌ای که مخاطبان معناها را بر اساس نظامی از نمادها و نشانه‌ها استنتاج می‌کنند (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۵). در همین راستا، واژه (أبی لهب)، کنیه عمومی پیامبر، به نام عبد العزیز بن عبدالمطلب بوده و معنای آن پدر آتش، و کنایه از ملازم بودن او با زبانه آتش است (طباطبایی، ج ۲۰، ۱۳۹۰: ۳۸۴) و یا درخشش، زیبایی و سرخی گونه‌های او مد نظر است که گویی شعله‌های آتش از آن او زبانه می‌کشد (طبرسی، ج ۱۰، ۱۳۷۲: ۸۵۲). استفاده از این لقب برای عمومی پیامبر (ص) و نیز تکرار بخش دوم این واژه (لهب) در آیه (سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ) (۳/المسد)، بر اهل آتش بودن او دلالت دارد؛ معنایی که با ذکر نام اصلی او قابل انتقال نبود.

در آیات (تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ) (۱/المسد) و (سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ) (۳/المسد) و (وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ) (۴/المسد) شاهد نوع دیگری از رمزگان‌ها با عنوان پروآیتریکتی هستیم. این نوع، مربوط به کنش‌ها و اثرات آن‌ها است؛ به عبارت دیگر، «این رمزگان با زنجیره رویدادها سروکار دارد که در جریان خواندن و با گردآمدن اطلاعاتی که روایت به ما می‌دهد، ثبت می‌شوند و نامی به خود می‌گیرند» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). این رمزگان، کنش‌های شخصیت‌ها را به صورت پی‌رفت‌های روایی سامان‌دهی نموده و برای هر پی‌رفت اصطلاح عامی را در نظر می‌گیرد که کارکرد راهبردی آن را نشان می‌دهد (مکاریک، ۱۳۹۳: ۱۳۸)؛ به عبارت دیگر، در هرجایی از متن که با عناصری مواجه شویم که کنش‌ها و اثرات متقابل را نشان می‌دهد، با این‌گونه رمزگان‌ها مواجهیم و می‌توان آن را رمزگان کنشی نیز نامید. حضور این رمزگان در سوره، در پی تأکید بر این معناست که ابولهب و همسرش با اقداماتی که علیه پیامبر (ص) انجام می‌دادند، و به طور کلی هر انسان معاند با حق و اسلام، هرچند که صاحب ثروت فراوان یا قدرت بسیار باشد، به زودی آتش جهنم را خواهد چشید؛ به عبارت دیگر، کنش اعمال ناحق در این دنیا به صورت برخورد با آتش جهنم در آخرت نمود پیدا خواهد کرد.

در آیه (وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ) (۴/المسد) واژه (امرأته) که منظور زن ابولهب (مادر جمیل، دختر سخر و خواهر ابوسفیان) می‌باشد، شاهد رمزگان هرمنوتیکی هستیم؛ رمزگانی که بارت، آن را واحدهای معنایی تعریف می‌کند که برای طرح و حل معما یا مسأله مناسب هستند (Barthes, ۱۹۷۴):

۱۷). هاوکس^۱ نیز با تأکید بر همین تعریف این رمزگان را شامل همه واحدهایی می‌داند که به طرح پرسش و پاسخ به آن می‌پردازد و یا طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی را در برمی‌گیرد که ممکن است سؤالی را صورت‌بندی کرده و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازد؛ یا حتی معمایی را طرح کرده و سپس به سوی راه حل آن راهنمایی کند (Hawkes, ۲۰۰۳: ۹۴). از این رو می‌توان این رمزگان را رمزگان چیستانی نیز نامید.^۲ بارت برای یافتن و حل این معما ده مرحله را معرفی کرده است: موضوعیت^۳، موقع یابی^۴، فرمول‌بندی^۵، نوید پاسخگویی^۶، فریب^۷، ابهام^۸، انسداد^۹، پاسخ تعلیقی^{۱۰}، پاسخ جزئی^{۱۱}، افشای حقیقت^{۱۲} (Bowman, ۲۰۰۰: ۲۱). باید توجه داشت که در تمامی روایت‌ها ترتیب این مراحل می‌تواند یکسان نباشد و نیز ممکن است تنها تعدادی از این مراحل ذکر شده و تمامی آن‌ها موجود نباشد.

در همین راستا در سوره مسد با توجه به متن، متوجه می‌شویم که نخست از ناکام ماندن اعمال و تلاش‌های ابولهب (مرحله ابهام) و سپس از اینکه آتش را خواهد چشید (موضوعیت) سخن رانده شده؛ اما در ادامه و با توجه به اینکه آتش برای شعله‌ور شدن به سوخت و یا منبع اشتعال‌زا نیاز دارد، می‌بینیم که همسر او به عنوان حمل‌کننده هیزم آتش معرفی می‌شود. بر همین اساس، به محض ذکر آیه (وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ) (۴/المسد) کنجکاوای مخاطب نسبت به این زن برانگیخته می‌شود که

1. Hawkes

۲. رمزگان هرمنوتیکی مطرح در رمزگان بارت با رمزگان هرمنوتیکی سنتی و فلسفی که در طرح پدیدارشناسی هوسرل مطرح می‌شود، اندکی تفاوت داشته و از زاویه‌ای خاص به آن نگریسته به گونه‌ای که تنها به بحث ایجاد سؤال در روایت و پاسخگویی به آن باز می‌گردد؛ به عبارت دیگر، قصد بارت تأویل و تفسیر فلسفی متن نمی‌باشد؛ بلکه قصد او از این رمزگان، یافتن سؤال یا سؤال‌هایی است که در روایت‌های ایستا یا پیش‌رونده ایجاد شده و به نحوی در متن به آن پاسخ داده می‌شود. (ر.ک: Barthes, ۱۹۷۴: ۱۷-۲۰)

3. Thematisation

4. Positioning

5. Formulation of the enigma

6. The promise it will be explained

7. Leurre (decoy or snare)

8. The partially correct clue

9. Blockage

10. Delay

11. Partial

12. Full resolution

باعث افروختن آتشی شده که هر دوی این زن و شوهر را با هم خواهد سوزاند. بنابراین واژه (امْرَأَتُهُ) به عنوان رمزگان هرمنوتیکی، پاسخی روشن برای معمای علت جهنمی شدن این دو محسوب می‌شود که به صراحت اعلام شده (افشای حقیقت) و پاسخ‌های جزئی (حَمَّالَةُ الْحَطَبِ) و (فی جِدِّهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ) - با تکیه بر رمزگان‌های فرهنگی و بینامتنی که در ادامه می‌آید - به شفاف‌سازی این مسأله کمک می‌کنند.

زن ابولهب ← با انگیزه دشمنی با پیامبر ← اقدام علیه پیامبر و تحریک ابولهب به همراهی ← آتش جهنم برای خود و ابولهب

عبارت (حَمَّالَةُ الْحَطَبِ) رمزگان فرهنگی است؛ چراکه به گفته اغلب مفسرین، به حوادث تاریخی اشاره دارد که همسر ابولهب در قبال پیامبر (ص) انجام می‌داد، او شب‌ها خار و خاشاک را با طناب بر پشت خود حمل کرده و بر مسیر پیامبر می‌ریخت تا صبح هنگام که برای نماز می‌رود پاهایش زخمی شود. این عمل او باعث شد تا در جهنم نیز به همین هیئت خود که هیزم بر پشت دارد، ظاهر شده و در آتش بسوزد (طباطبایی، ج ۲۰، ۱۳۹۰: ۳۸۵). عبارت مذکور بر سخن‌چینی و افترا بستن او بر پیامبر (ص) نیز دلالت دارد؛ چراکه او برای سران قریش و نیز همسرش از پیامبر سخن‌چینی کرده و همسرش را به آزار و اذیت او وادار می‌کرد (قمی مشهدی، ج ۱۴، ۱۳۶۸: ۴۹۳). بنابراین، حمل‌کننده هیزم، به نوعی هم بر حادثه‌ای تاریخی، و هم به صورت کنایی بر عامل بودن او در برافروختن آتش میان ابولهب و پیامبر دلالت دارد.

علاوه بر این دلالت‌های برون‌متنی، این عبارت، بینامتنی با نامه بیست و هشتم نهج البلاغه حضرت علی به معاویه نیز دارد. در متن نامه آمده است: «منا خیر نساء العالمین و منکم حَمَّالَةُ الْحَطَبِ» (نهج البلاغه، ۱۳۸۴: ۸۰۶)؛ یعنی بهترین زنان از ما و حمل‌کننده هیزم آتش (فتنه‌انگیز و سخن‌چین) از شماست. استفاده از این عبارت در نامه حضرت علی (ع) پرده از معنای دیگر آن برمی‌دارد؛ یعنی بدین خاطر که در تقابل با ترکیب (خیر نساء العالمین) قرار گرفته، به نوعی معنای بدترین زنان عالم را در ضمن خود قرار داده است.

از سویی دیگر واژه (مَسَدٍ) در آیه (فی جِدِّهَا حَبْلٌ مِنْ مَسَدٍ) (۵/المسد) در نام سوره نیز آمده است؛ امری که به نوعی می‌خواهد توجه مخاطب را بیش از آن‌که به ابولهب بازگردد، به زن او ارجاع دهد؛ زنی که موجب آتش‌افروزی و فتنه‌گری شده و با سخن‌چینی‌ها و دسیسه‌جویی‌ها، عامل بسیاری

از شرارت‌ها در حق پیامبر یا در واقع راه اسلام و حقیقت گشته است. واژه (امْرَأَتُهُ) تنها رمزگان هرمنوتیکی سوره بوده که با قرار گرفتن در محور هم‌نشینی با سایر نشانه‌ها و نیز اوصافی که برای رمزگشایی از صفات او آمده، پرده از معمای این سوره برمی‌دارد. او با حمل کردن خار و خاشاک و هیزم در راه پیامبر، در واقع هیزم آتش افکنی میان ابولهب و پیامبر را فراهم کرد و در نهایت خود و همسرش را در این آتش همیشگی سوزاند. معنایی که با بینامتنی قرار گرفتن نامۀ حضرت علی با معاویه بیشتر بر آن تأکید می‌شود؛ یعنی بدترین زنان. پس در حقیقت این آیه به ویژگی بدترین زنان عالم هم اشاره می‌کند؛ زنان فتنه‌گر، سخن‌چین و دسیسه‌جو؛ زنانی که به ثروت خود فخر فروخته و از آن در راه نابودی اسلام و راه حقیقت بهره می‌گیرند.

این آیه دارای معنای کنایی تحقیر زن ابولهب نیز می‌باشد؛ چراکه چنانکه در تاریخ آمده است، زن ابولهب بسیار ثروتمند بوده و گفته شده گردنبندی قیمتی داشته که بر خراج کردن آن در راه قتل و نابودی پیامبر قسم خورده بود (مجلسی، ج ۸، ۱۴۰۳: ۲۷۹). در حقیقت این آیه نوعی پاسخ به زن ابولهب در قبال آن نیت شومش بوده و واژه (مَسَد) که به توصیف او با طنابی از جنس لیف خرما بر گردنش پرداخته و غرور و ثروتش را به باد سخره گرفته در مقام رمزگان معنایی، در خود معانی ضمنی تمسخر، ذلت و خواری زن ابولهب را جای داده و ثروت او را نه تنها باعث برتری او ندانسته بلکه سبب ذلت و کشاندنش چون برده‌ای به سمت آتش جهنم توصیف کرده است.

در نهایت و با بررسی کل سوره، عناصر (امْرَأَةٌ و ابی لهب) رمزگان نمادین سوره را تشکیل داده‌اند؛ این رمزگان به الگوهای تقابلی و متضادی اشاره می‌کند که به متن معنا می‌دهند (آلن، ۱۳۸۵: ۱۳۷ و Cuddon، ۲۰۱۳: ۱۳۲)؛ در واقع این رمزگان، گروه‌بندی‌های قابل تشخیص است که به طور منظم و به روش‌های گوناگون در متن تکرار شده و در پایان شکل غالب متن را به وجود می‌آورند (Hawkes، ۲۰۰۳: ۹۵)؛ از این‌رو برای دریافت معنای این‌گونه رمزگان‌ها باید فهرستی از عناصر متن که در تضاد با یکدیگر قرار دارند را تهیه نمود. قرار گرفتن این دو واژه در مقابل هم در حقیقت به رابطه‌شان دلالت دارد؛ رابطه‌ای که سقوط و فتنه‌انگیزی یک نفر، سبب سقوط و خسران ابدی نفر دیگر نیز شده است. امری که در حال هشدار دادن به این نکته است که اگر در رابطه زن و شوهری، یکی از طرفین، کاملاً پیرو و مرید دیگری گشته و بدون آگاهی از حقیقت یا بطلان کلامش، از تمامی خواسته‌های دیگری تبعیت کند، چیزی جز تباهی گریبانش را نخواهد گرفت. از این‌رو این سوره به آگاهی در

روابط ما هشدار می‌دهد؛ چه روابط خانوادگی همچون رابطه حضرت محمد (ص) و عمومیش، و چه در روابط نزدیک‌تری چون رابطه همسری که نباید با غفلت و برای جلب نظر همسر، راه حق را نادیده گرفت و اگر جدولی را از رمزگان‌ها و دلالت‌های معنایی آن‌ها در نظر بگیریم به چنین نتیجه‌ای می‌رسیم:

رمزگان هرمنوتیکی:	علت جهنمی شدن ابولهب و همسرش چیست؟ پاسخ: همسرش (امرأته).
رمزگان‌های پروآیرتیکی:	اقدامات ابو لهب و همسرش و در نتیجه جهنمی شدن و ذلت و خسران ابدی آن‌ها تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ (۱) سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ (۳) وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (۴) فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ (۵)
رمزگان‌های معنابنی:	(ابو لهب): دلالت بر جهنمی بودن، (مسد): دلالت بر تحقیر زن ابولهب.
رمزگان‌های فرهنگی:	(تَبَّتْ): دلالت بر حادثه تاریخی برگرداندن کلام ابولهب به خودش، (حَمَّالَةَ الْحَطَبِ): دلالت بر روایتی تاریخی از زن ابولهب و در بینامتنی با نامه حضرت علی (ع).
رمزگان نمادین:	(ابو لهب ≠ امرأته): دلالت بر ترجیح ندادن رابطه بر ضابطه.

استفاده از این رمزگان‌ها در کنار روابط هم‌نشینی نشانه‌های سوره (لایه‌های درون‌متنی) و نیز بررسی عناصر بینامتنی چند لایه معنایی جدید خلق کرده است؛ نخست اینکه ارتباط خویشی نباید بر ضابطه‌ها مقدم گردد؛ چنانکه پیامبر راه حق را رفته و بر خواست عمومی خود وقعی نهاد و خداوند نیز در این راه او را حمایت کرده و اسباب صدمه زدن به او را بی‌اثر و خنثی ساخت و یا نتیجه ارتباط همسری ابولهب و همسرش که به تباهی هردوی آن‌ها انجامید. دوم اینکه کسانی که بر راه باطل رفته و در مقابل حق ایستادگی کنند، تلاششان همیشه ناکام خواهد ماند حتی اگر خویشاوند پیامبری باشند. سوم اینکه ثروت و تلاش در برابر قهر خداوند کارایی نداشته و موجبات تحقیر آدمی را در دنیا و آخرت فراهم می‌سازد.

نتیجه

سوره مسد با وجود تعداد کم آیات خود، هر پنج نوع رمزگان موردنظر رولان بارت را در اثربخشی و معنا رسانی دارا می‌باشد؛ واژه (إمرأته) با توجه به روابط هم‌نشینی میان رمزگان‌ها، تنها رمزگان هرمنوتیکی سوره را تشکیل داده که با توصیفاتی که در پی‌اش آمده، پاسخ چيستانی خود را باز می‌کند؛ معنایی که دلالت بر سخن‌چینی و فتنه‌انگیزی او داشته و بینامتنی قرار گرفتنش با نامه حضرت علی (ع) به معاویه، تأکید بر آن را دوچندان می‌کند و رمزگان‌های کنشی نیز به عنوان پی‌رفت‌های روایی با محوریت قرار گرفتن این رمزگان معمایی، به نحوه اقدامات ابولهب و همسرش و عاقبت ننگین آن دو اشاره دارند.

سایر رمزگان‌ها نیز در جهت شرح و شفاف‌سازی این مسأله آمده‌اند؛ مثلاً رمزگان فرهنگی این سوره که از واژگان (تَبَّتْ) و (حمالة الحطب) تشکیل شده است، به ترتیب به داستان تاریخی نفرین کردن ابولهب و نیز ستم‌های زن ابولهب بر حضرت محمد (ص) اشاره دارند و بر معانی متعددی همچون بی‌اثر بودن همیشگی تلاش‌های ثروتمندان و قدرتمندان علیه حق و نیز بدترین صفات انسانی همچون فتنه‌انگیزی و دسیسه‌چینی دلالت دارند که نتیجه‌ای جز آتش جهنم در پی نخواهد داشت. واژگان (ابی لهب) و (مسد) نیز رمزگان‌های معنا بنی این سوره هستند؛ که به ترتیب بر اهل آتش بودن ابولهب و تحقیر و ذلت زن او دلالت دارند. و مجموع این رمزگان‌ها به واسطه روابط هم‌نشینی میان آن‌ها، بر معانی متعددی چون لزوم پیشی نگرفتن رابطه بر ضابطه، محکومیت ابدی و اهل آتش بودن ناهالان دین و نیز ناکارآمدی ثروت و غرور در راه مبارزه با حق اشاره می‌کنند. و درنهایت دو واژه (ابی لهب و امرأته) نیز تنها رمزگان نمادین سوره را تشکیل داده‌اند که به قرار گرفتن این دو در مقابل هم و رابطه‌شان دلالت دارد؛ رابطه‌ای که سقوط و فتنه‌انگیزی یک نفر، سبب سقط و خسران ابدی نفر دیگر نیز شده است.

منابع

۱. آلن، گراهام (۱۳۸۵)، رولان بارت، ترجمه پیام یزدان جو، تهران: مرکز.
۲. ایگلتن، تری (۱۳۸۰)، نظریه ادبی، ترجمه عباس مخبر، ویراست دوم، تهران: مرکز.
۳. چندلر، دانیل (۱۳۸۷)، مبانی نشانه‌شناسی، ترجمه مهدی پارسا، چاپ دوم، تهران: سوره مهر.
۴. دینه سن، آنه ماری (۱۳۸۰)، درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه مظفر قهرمان، چاپ اول، آبادان: پرسش.
۵. سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، نشانه‌شناسی کاربردی، چاپ اول، تهران: نشر علم.
۶. سجودی، فرزانه (۱۳۸۸ش)، نشانه‌شناسی؛ نظریه و عمل، تهران: نشر علم.
۷. سیبیک، تامس آلبرت (۱۳۹۱)، نشانه‌ها؛ درآمدی بر نشانه‌شناسی، ترجمه محسن نوبخت، تهران: نشر علمی.
۸. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۳۷۱ش)، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۹. کالر، جانانان (۱۳۸۸)، در جستجوی نشانه‌ها؛ نشانه‌شناسی، ادبیات، و اسازی، ترجمه لیلا صادقی و تینا امراللهی، چاپ اول، تهران: علم.
۱۰. گیرو، پی یر (۱۳۸۰)، نشانه‌شناسی، ترجمه محمد نبوی، چاپ اول، تهران: آگه.
۱۱. مدرسی، فاطمه (۱۳۸۷)، از واج تا جمله؛ فرهنگ زبانشناسی-دستوری، چاپ دوم، تهران: چاپار.
۱۲. مکاریک، ایرنا ریما (۱۳۹۳)، دانش‌نامه نظریه‌های ادبی معاصر، ترجمه مهراج مهاجر و محمد نبوی، چاپ پنجم، تهران: آگه.

مقالات فارسی

۱. پیرس، چارلز سندرز (۱۳۸۱)، «منطق به مثابه نشانه‌شناسی: نظریه نشانه‌ها»، مترجم: فرزانه سجودی، زیبا شناخت، شماره ۶، صص ۵۱-۶۳.
۲. ذوالفقاری، محسن و قنبریان شیاده، سکینه (۱۳۹۷)، «خوانش نشانه‌شناسی لایه‌ای در فرآیند معنایی منظومه خسرو و شیرین نظامی»، متن شناسی ادب فارسی، سال ۱۰، شماره اول (پیاپی ۳۷)، صص ۴۹-۶۲.
۳. صفیثی، کامبیز و سلامی، مسعود. (۱۳۹۰)، «توضیح و معرفی رمزگان پنج‌گانه رولان بارت با نمونه عملی از نمایشنامه فیزیکدان‌ها اثر فریدریش دورنمات»، مطالعات نقد ادبی، شماره ۲۴-۲۵، صص ۱۹۹-۲۲۱.

۴. محققان، زهرا (۱۳۹۳)، «نشانه‌شناسی لایه‌ای آیات قرآن کریم با توجه به روابط درون‌متنی و بینامتنی»، فصلنامه قرآن‌شناخت، سال هفتم، شماره اول، پیاپی ۱۳، صص ۲۷-۴۶.
۵. محمدی حسن‌آبادی، فیروزه (۱۳۹۳)، «رویکرد نشانه‌شناختی به مفهوم رنگ و کاربست آن در قرآن کریم»، دو فصلنامه علمی پژوهشی «پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن»، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۵، صص ۷۷-۹۲.

منابع عربی

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۴)، ترجمه علامه جعفری، الطبعة الأولى، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، محقق: جمال‌الدین میردامادی، الطبعة الثالثة، بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۴. بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ ق)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، الطبعة الأولى، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، الطبعة الأولى، بیروت: دار المعرفة.
۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: فضل‌الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی، الطبعة الثالثة، تهران: ناصرخسرو.
۸. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ ق)، تفسیر الصافی، المقدمة والتصحيح: حسین اعلمی، الطبعة الثانية، تهران: مکتبه الصدر.
۹. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محقق: حسین درگاهی، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

۱۰. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ ق)، تفسیر مقاتل بن سلیمان، الطبعة الأولى، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۱. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار، الطبعة الثانية، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۲. محلی، محمد بن أحمد (۱۴۱۶ ق)، تفسیر الجلالین، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.

منابع انگلیسی

13. Barthes, R. (1974). *S/Z*, Translated by Richard Miller, Hill & Wang: Blackwell.
14. Cuddon, J.A. (2013). *a dictionary of literary terms and literary theory*, revised by M.A. Habib, 5th edition, UK: Wiley-Blackwell.
15. Hawkes, T. (2003). *Structuralism and Semiotics*, 2th edition, London & New York: Rutledge
16. Bowman, P.J. (2000). Theodor Fontane`s Ce`cile An Allegory of Reading, *German Life and Letters* 53: 1 January, 17-36.

An Analysis of Codes of Surah Al-Masad from the Perspective of Roland Barthes's Layered-Semiotics¹

Ali Pirani Shaal²
Niloofar Zarivand³

Layered semiotics as a theoretical perspective that underlies a kind of applied semiotics, by relying on its theoretical foundations such as the study of syntagmatic relations, codes, and intertextuality, provides the basis for extensive analysis of texts such as the Qur'an that are within the context of interactive and multidimensional relationships between sign systems. Drawing on the science of layered semiotics, this descriptive-analytical research analyzed the codes of Surah Al-Masad in order to determine their implicit meanings and reveal the multiplicity of meanings of the semantic layers from their syntagmatic and intertextual relations with them. The research came to the following findings. The action codes show the actions of these characters, which has led to humiliation and fire. The actions are shaped by the only hermeneutic-enigmatic code of the surah that refers to Abū Lahab's wife. Other codes, such as cultural codes, indicate the historical document of this event, and semantic codes signify the attributes of hell-dwellers and their humiliation, while symbolic codes point to the role and interaction of marital relations that with their complementary and illuminating role emphasize not preferring the personal relationships to the rules, inefficiency and eternal losses of the fighters against the path of the truth and the uselessness of wealth and power against the wrath of God

Keywords: layered semiotics, codes, syntagmatic relations, intertextuality

1. Date Received: June 23, 2020; Date Accepted: September 13, 2020 |DOI: [10.29252/PAQ.8.2.97](https://doi.org/10.29252/PAQ.8.2.97)|

2. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Kharazmi University; University; Email: pirani@khu.ac.ir

3. Corresponding Author: PhD Student of Arabic Language and Literature, Kharazmi University; Email: Niloofar.mehr@yahoo.com